

بازآفرینی اجتماع محور محله سنگلج تهران با تکنیک تاپسیس فازی

مریم حیدری

کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران hei.dareenaryana@gmail.com

چکیده

رهیافت بازآفرینی شهری یکی از رهیافتهایی است که در دو دهه آخر قرن بیستم به عنوان گزینه ای جهت برون رفت از نواحی دچار افت شهر مورد توجه تصمیم گیران و برنامه ریزان شهری قرار گرفته است. محله سنگلج به مثابه محله ای تاریخی و قدیمی طی دهه های اخیر به دلایل مختلفی از جمله افت منزلت اجتماعی اقتصادی و فرهنگی و نابسامانی و افت کارکردی و کالبدی و افت شدید کیفیت زندگی دچار اضمحلال در عرصه های مختلفی شده است و حدود ۷۷ درصد از بافت محله فرسوده است. بر همین اساس در این تحقیق سعی شده است تا با استفاده از رویکرد بازآفرینی اجتماع محور با تکنیک تاپسیس اقدام به شناسایی و اولویت بندی پهنه های بازآفرینی نمود. نوع تحقیق کاربردی و با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق رویکرد حاکم بر فضای تحقیق «توصیفی-تحلیلی» است. روش جمع آوری داده های اولیه به صورت میدانی می باشد. جامعه آماری این پژوهش محله سنگلج واقع در منطقه ۱۲ تهران می باشد و نمونه گیری به صورت تمام شماری است. شاخص های مورد استفاده برای سنجش بازآفرینی عبارتند از: موقعیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اقدامات جمعی و همگانی، رفتارهای ضد اجتماعی و امنیت و شبکه ارتباطی و گره های اجتماعی. جهت ارزیابی پتانسیل بازآفرینی از مدل Topsis استفاده شده و برای وزن دهی به شاخص ها هم از مدل AHP استفاده شده است. شاخص اقدامات جمعی و همگانی با وزن ۰,۲۴۷ دارای بیشترین وزن است. نتایج بیان کننده این است که در مجموع ۳۴,۸٪ از بلوک ها (۴۰ از ۱۱۵) در اولویت زیاد و خیلی زیاد به مداخلات بازآفرینی شناسایی شدند. این بلوک ها مناطقی را نشان می دهند که در آن ها به تلاش های فوری برای بازسازی جامعه محور نیاز است. برعکس، ۲۷ درصد از بلوک ها (۳۱ از ۱۱۵) به عنوان نیاز بسیار کمی به بازآفرینی شناسایی شدند که نشان می دهد این مناطق نسبتاً پایدار و به خوبی نگهداری می شوند.

کلیدواژه ها: بازآفرینی، اجتماع محور، سنگلج، تاپسیس فازی

مقدمه

بافت قدیمی و کهن شهرها به واسطه قدمت تاریخی دارای ارزش و جایگاه منحصر به فردی در ساختار فضایی و کارکردی شهرها هستند (صفایی پور و زراعی ۱۳۹۶) توسعه سریع شهرنشینی تخریب و فرسودگی این بافتها را به همراه داشته است. به طوری که به تدریج آنها را دچار نارسایی و اختلال در ابعاد مختلف کارکردی، اقتصادی، اجتماعی کالبدی ارتباطی و محیط زیستی کرده است. که لزوم بازآفرینی شهری را ایجاد کرده است. رهیافت بازآفرینی شهری یکی از رهیافتهایی است که در دو دهه آخر قرن بیستم به عنوان گزینه ای جهت برون رفت از نواحی دچار افت شهر مورد توجه تصمیم گیران و برنامه ریزان شهری قرار گرفته است. (بهادری نژاد و ذاکر حقیقی ۱۳۹۵، نوریان، و آریانا، ۱۳۹۱)

بازآفرینی شهری به مثابه روایتی، جامع فراگیر و در برگیرنده از بهسازی و مرمت شهری جریانی است که از یک سو به تمامی وجوه و محدودیتهای امر توسعه در بطن شهر موجود توجه میکند و از سوی دیگر به تدارک فرصت و استفاده از هر فرصتی برای تبدیل ساختن آن ابزار یا راهی برای رسیدن به توسعه می پردازد. همچنین این رهیافت به دنبال حل مشکلات فرسودگی شهری از طریق بهسازی مناطق فرسوده و در حال اضمحلال

در شهرهاست. رهیافت بازآفرینی شهری تنها به دنبال باززنده سازی مناطق متروکه نیست بلکه با مباحث گسترده تری همچون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی سروکار دارد به صورت ایده آل بازآفرینی شهری مشتمل بر فرموله کردن اهداف سیاسی اجرای آن از طریق برنامه های اجرایی و بازنمایی مداوم عملکرد است (بهادری نژاد و ذاکر حقیقی ۱۳۹۵، لطفی، ۱۳۹۰؛ Roberts, ۲۰۰۰).

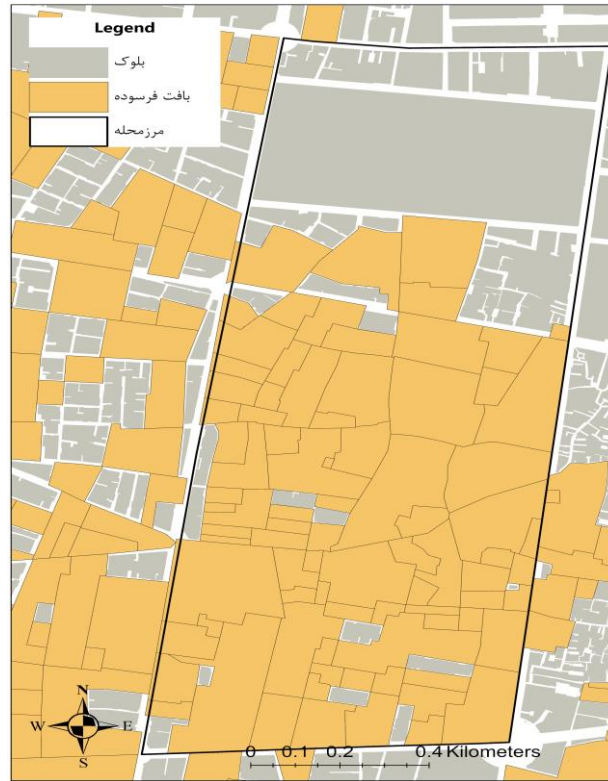
بافت های تاریخی و قدیمی شهرها میراثی گرانقدر و واجد ارزش مرکزی - تاریخی هستند که در هویت بخشی به حیات شهری در طول تاریخ نقش قابل توجهی ایفا کرده اند این شهرها روزگاران تجلیگاه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردمانی بود که در این شهرها روزگار سپری کرده و هویت فرهنگی و اجتماعی آن را به ثبت رسانده اند. با این حال امروزه این شهرهای تاریخی به ویژه در شهرهایی با قدمت تاریخی که زمانی سرزنده، جذاب، پویا و با کیفیت بوده اند به دلایل مختلف دچار افت حیات شهری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده اند و بر این اساس جذابیت و کیفیت گذشته خود را از دست داده اند.

محله سنگلج به مثابه محله ای تاریخی و قدیمی طی دهه های اخیر به دلایل مختلفی از جمله افت منزلت اجتماعی اقتصادی و فرهنگی و نابسامانی و افت کارکردی و کالبدی و افت شدید کیفیت زندگی دچار اضمحلال در عرصه های مختلفی شده است که جلوگیری از روند این اضمحلال ضروری به نظر میرسد. چرا که روند افت و رکورد این پیامدهایی به مانند مهاجرت ساکنان بومی را در پی خواهد شد. از طرف دیگر روند مهاجرت ساکنان محله مشکلاتی دیگری همچون افزایش سرعت فرسایش بناها و بافت تاریخی خالی شدن محله از جمعیت پایین آمدن سطح امنیت و به دنبال آن پایین آمدن سطح فرهنگی محله که خود عاملی برای پایین آمدن سطح اجتماعی محله و مهاجرت بیشتر بومیان متمکن محله است را در پی خواهد داشت.

طبق نقشه و جدول وضعیت فرسودگی در محله سنگلج، ۷۷ درصد از مساحت کل محله دارای شاخص های فرسودگی بوده و به عنوان بافت فرسوده در محله محسوب می شوند.

جدول شماره ۱: جدول وضعیت فرسودگی محله سنگلج

وضعیت فرسودگی	مساحت (مترمربع)
کل محله	۱۶۱۵۹۰۰.۷۶
فرسودگی در محله	۱۲۵۰۵۰۴.۹۹
درصد فرسودگی محله	۷۷.۳۹



نقشه شماره ۱: نقشه وضعیت فرسودگی محلۀ سنگلج

بر همین اساس در این تحقیق سعی شده است تا با استفاده از رویکرد بازآفرینی اجتماع محور با تکنیک تاپسیس اقدام به شناسایی و اولویت بندی پهنه های بازآفرینی نمود.

مبانی نظری

بازآفرینی مبتنی بر اجتماع محلی

ایفای نقش مردم محلی هم یک ابزار ضروری برای بازآفرینی نواحی داخلی شهرها و هم نتیجه درستی فرایند آن است. مقامات عمومی بایستی ایده‌های ساکنان محلی را کشف کنند تا بتوانند اولویت‌هایشان را دریابند و برای ایفای نقش در بخش عملی احیای نواحی خود توانمند گردن .. (Environment, ۱۹۷۷, p. ۸)

عبارت فوق بخشی از گزارش دولت انگلیس در سال ۱۹۷۷ به نام سیاست‌هایی برای شهرهای درونی آگاه به تعهد خود در بازآفرینی مبتنی بر اجتماع محلی و آنچه بازآفرینی آرمانی نامیده می‌شود است (Coffee, ۲۰۱۰; & Sil ver et al., ۲۰۰۸) عبارتی که در آن از

نقش افراد به‌عنوان یک ابزار و نه صرفاً راهبردی یا هدف برای طی شدن مسیر درست بازآفرینی یادشده است. در واقع این عبارت به فرایندی اشاره دارد که طی آن ساکنان با کشف ایده‌ها و اولویت‌هایشان و فرایند توان‌بخشی کشف و توسعه توانمندی (بازآفرینی و احیای عملی سکونتگاهشان را به‌خودی‌خود مدیریت می‌کنند.

شواهدی از این قبیل گزارش‌ها و مطالعات نشان می‌دهد که بسیاری از دولت‌ها در سراسر جهان از اهمیت نقش و مشارکت اجتماع محلی در اقدامات بازآفرینی از مرحله فرمول‌بندی مداخلات تا نظارت و ارزیابی حمایت می‌کنند. (Campbell, 2011) با این حال با وجود این حمایت‌های گسترده این رویکرد را نمی‌توان یک علاج عام جهانی دانست و مطمئناً در کنار پتانسیل‌ها، خطرات و محدودیت‌هایی با خود به همراه دارد. (Hickey & Mhan, 2004) به نظر می‌رسد با مطالعات دقیق اصطلاحات و مفاهیم اصلی برخاسته از آن و کمی‌سازی شاخص‌هایی برای سنجش آن‌ها بتوان تا حدی بر این محدودیت‌ها و خطرات فائق آمد. اگرچه بررسی مطالعات نشان از عدم وجود اتفاق نظر در خصوص اصطلاحات مرتبط با موضوع دارد و این امر به دلیل ماهیت پیچیده مطالعات مفاهیم اجتماعی بدیهی به نظر می‌رسد.

بر اساس مطالعات صورت گرفته می‌توان گفت که گفتمان مشارکتی درجایی ظهور پیدا می‌کند که از طیف گسترده مفاهیم شامل ایفای نقش اجتماع محلی، تعهد اجتماع محلی توان‌بخشی اجتماع محلی سرمایه اجتماعی و استراتژی‌های برخاسته از حوزه محلی، صحبت شود. (Campbell, 2011) واضح است که اهداف و اهمیت‌ها در پشت این اصطلاحات از ایفای نقش به‌عنوان جریان اطلاعات یک‌طرفه به جوامع محلی تا انتقال واقعی قدرت به مردم محلی درجایی که بازآفرینی مورد نظر است؛ مختلف است (Silver et al., 2010) لذا در ادامه سعی خواهد شد پس از بررسی پیشینه بازآفرینی مبتنی بر اجتماع محلی، مفاهیم اصلی و مرتبط با آن دسته‌بندی شده و مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان از این طریق به درک درست و سیستماتیک از مفاهیم اصلی مرتبط با موضوع رسید

مفاهیم بازآفرینی مبتنی بر اجتماع محلی

همان‌طور که در بخش قبل مشاهده شد با توجه به تغییر رو به رشد دموکراسی، مشارکتی اصطلاحات و مفاهیم استفاده‌شده برای توصیف رویکردهای مبتنی بر اجتماع محلی دارای ابهامات بی‌شماری است. به‌طوری‌که بسیاری از این اصطلاحات به‌جای یکدیگر استفاده می‌شوند؛ بدون آنکه معانی و اهداف اصلی هریک در نظر گرفته شود. به‌طور کلی با وجود اینکه هر مرجع اذعان می‌کند که جوامع باید دانش محلی را برای تصمیم‌گیری در نظر بگیرند؛ هر کدام مفاهیم متفاوتی در رابطه با انتقال قدرت به جامعه دارند علاوه بر ابهام در خصوص معانی، در مورد هدف نهایی هریک نیز اتفاق نظر وجود ندارد (Bai ley, 2010).

جیکوز و داتون (2000) در مقاله خود در خصوص موضوعات اجتماعی در کتاب بازآفرینی رابرت و سیکس (Roberts & Sykes, 2000) مروری بر موضوعات مرتبط با نقش جوامع محلی در بازآفرینی را انجام داده‌اند. این موضوعات عبارت‌اند از: اجتماع محلی نیازهای مردم، محلی نیازهای خاص گروه‌های اجتماعی، توسعه شرایط اجتماعی و اقتصادی نماینده‌های جوامع توان‌بخشی کشف و توسعه توانمندی، مشارکت مؤثر اجتماعی، کشف و توسعه ظرفیت در جوامع محلی؛ تلون (Tal lon, 2010) در کتاب بازآفرینی در انگلستان خود برای بازآفرینی مبتنی بر اجتماع محلی، از مفاهیم سرمایه اجتماعی، ایفای نقش اجتماعی، مشارکت، اداره توسط دخیلان (حکمروایی و اقتصاد اجتماعی سخن گفته است کامپل (Campbell, 2011) نیز در مرور ادبیات موضوع در خصوص مفاهیم مرتبط با بازآفرینی مبتنی بر اجتماع محلی به تعریف مفاهیم تعهد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، توان‌بخشی کشف و توسعه توانمندی و اداره توسط دخیلان (حکمروایی اقدام نموده است. بیلی (2013) در مقاله خود در کتاب مرتبط با بازآفرینی لاری و مک کارتی (Leary & McCarthy, 2013) در بخش بازآفرینی متمرکز بر اجتماع محلی از جمله مفاهیم کلیدی مرتبط با این رویکرد را تعهد اجتماعی ۹ دانسته است. او در توصیف این مفهوم سه مفهوم اجتماع محلی سرمایه اجتماعی و اداره توسط دخیلان (حکمروایی) را مطرح ساخته است. پیران (۱۳۹۶) نیز در مجموعه کتب خود در خصوص معرفی مفاهیم پیشاهنگ در رابطه با بازآفرینی

پایدار و طرح بازآفرینی محله یاری ایران، به مفاهیم آموزش و فراگیری محله (اجتماع محلی)، دخیلان، مشارکت و برنامه‌ریزی مشارکت مبنا و مشارکت محور پرداخته است.

تعهد اجتماعی

کرآن (۲۰۰۵) تعهد اجتماعی را کمک به مردم محلی برای نفوذ در فرایند تغییر تعریف کرده است (Cowan, ۲۰۰۵, p. ۸۰). راجرز و رایبسون (۲۰۰۴) تعهد اجتماعی را فرصت، ظرفیت و تمایل افراد برای کار جمعی جهت شکل دادن به زندگی اجتماعی می‌دانند. از نظر کامپل (۲۰۱۱) تعهد اجتماعی فرآیندی هدفمند است که روابط کاری بین جوامع سازمان‌های اجتماعی و نهادهای دولتی و خصوصی را برای کمک به آن‌ها در شناسایی و اقدام بر روی نیازها و اهداف جامعه به وجود می‌آورد. این امر شامل گفتگو احترام‌آمیز بین افراد درگیر است، باهدف بهبود درک بین آن‌ها و اقدام مشترک برای دستیابی به تغییرات مثبت. (Campbell, ۲۰۱۱)

الف) اجتماع محلی

کر آن (۲۰۰۵) اجتماع محلی را گروهی از مردم با منافع مشترک می‌داند (Cowan, ۲۰۰۵, p. ۷۷). از نظر والاس (۲۰۱۰) اجتماع محلی برای محدود کردن جامعه به یک ناحیه قابل کنترل خصوصاً دارای حدود مرز مورداستفاده قرار می‌گیرد که می‌تواند به‌عنوان شرکا در شبکه‌هایی از روابط احتمالی که تشکیل‌دهنده و ایفاکننده سیاست‌های عمومی، باشند عمل کنند (Wallace, ۲۰۱۰, p. ۸۰۵). از نظر لاری و مک کارتی (۲۰۱۳) اجتماع محلی ترکیب رسمی و غیررسمی افراد است که متعلق به یک مکان خاص، نماینده چگونگی آن، نفع برنده از خدمات بهبود یافته آن و استراتژی‌های بازآفرینی باشند (Leary & McCarthy, ۲۰۱۳, p. ۴۱۲). در تعریف (DETER, ۱۹۹۷) اجتماع محلی می‌تواند توسط موارد زیر تعریف شود:

مشخصات فردی: سن، جنس، قومیت، خویشاوندی

اعتقادات ارزش‌های مذهبی، فرهنگی و سیاسی

موقعیت اقتصادی: وضعیت شغلی یا اشتغال سطح درآمد و میزان ثروت، نحوه مالکیت مسکن

مهارت: سطح تحصیل، مدارک حرفه‌ای

دسترسی به خدمات عمومی: دسترسی مستأجران بیماران مراقبین ارائه‌دهندگان خدمات به خدمات عمومی

تعلق مکان: تعلقات به واحد همسایگی، روستا، شهر یا کشور (Roberts & Sykes, ۲۰۰۰, p. ۱۱۰).

ب) سرمایه اجتماعی

کوآن (۲۰۰۵) سرمایه اجتماعی را دارایی‌های اجتماعی منطقه می‌داند که عمدتاً ناملموس‌اند مانند انجمن‌های داوطلبانه، شبکه‌های اجتماعی ثبات اجتماعی و دیگر عوامل احساس خوب داشتن؛ اما همچنین شامل عناصر بنیادی نیز است مانند محدوده و کیفیت، مسکن مدارس بیمارستان‌ها مغازه‌ها و سایر امکانات (Cowan, ۲۰۰۵, p. ۴۲۲). طبق تعریف پاتنام (۱۹۹۵)، سرمایه اجتماعی اجزای زندگی اجتماعی را شامل شبکه‌ها و هنجارها نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا از طریق آن‌ها عمل کنند از نظر تلون سرمایه اجتماعی اساساً به ارتباطات اجتماعی و هنجارهای مرتبط و اعتماد مربوط می‌شود (Tallon, ۲۰۱۰: ۱۴۵). سه گونه ارائه‌شده توسط پاتنام برای سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: سرمایه اجتماعی درون‌گروهی که ارتباط بین افراد مشابه هم را ایجاد می‌کند؛ سرمایه اجتماعی بین‌گروهی که باعث ایجاد ارتباط بین مرزهای قومی جمعیتی و اجتماعی می‌شود و سرمایه اجتماعی ارتباطی که باعث ایجاد ارتباط بین جوامع و افرادی است که در سطح محلی دارای قدرت هستند (Putnam, ۱۹۹۳).

(۲۰۱۰: ۲۰۰۳) سردرگمی خود را در مورد تعریف سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد، اما مؤلفه‌های آن را به‌عنوان شبکه‌های اجتماعی که توسط مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ هنجارهای اجتماعی که در رفتار مردم پیوسته وجود دارد و به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ و سطح اعتماد مردم نسبت به همسایگان خود، افراد به‌طور کلی و یا نهادهای دولتی؛ سنتز می‌کند (Tal lon, ۲۰۱۰: ۱۴۶)

به‌طور کلی سرمایه اجتماعی طبیعتاً چندبعدی است و به‌واسطه گروه‌ها شبکه‌ها هنجارها و اعتماد که افراد برای اهداف تولیدی به آن‌ها دسترسی دارند، تعریف می‌شود؛ الف) انواع گروه‌ها و شبکه‌هایی که مردم فقیر می‌توانند با آن‌ها در تماس باشند و ماهیت و میزان تعامل آن‌ها با دیگر اعضای گروه‌ها و شبکه‌ها؛ ب) ادراکات ذهنی پاسخ‌دهندگان از اعتماد به دیگر افراد و نهادهای کلیدی که زندگی آن‌ها را شکل می‌دهد و نیز هنجارهای همکاری و عمل متقابل برای تلاش جهت حل مشکلات محیط‌شان (Groot aert , Narayan, J ones , & Wool cock, ۲۰۰۴: ۳)

ج) حکمروایی

کوان حکمروایی شهری را روش‌هایی می‌داند که توسط آن‌ها یک منطقه شهری توسط دولت محلی و طیفی از سازمان‌ها اداره می‌شود (Cowan, ۲۰۰۵: ۴۲۲) رودرس (۱۹۹۶) از حکمروایی به‌عنوان شبکه‌های بین سازمانی خود سازماندهی یاد می‌کند که مطابق این تعریف فرایند سیاست‌گذاری یک بازی چانه‌زنی بین انواع مختلف بازیگران محسوب می‌شود (Van Den Dol , Hendri ks , & Gi anoi , ۲۰۱۵) برنامۀ توسعه سازمان ملل متحد (۱۹۹۷) حکمروایی را شامل مکانیسم‌ها، فرایندها و نهادهایی می‌داند که از طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌های مردم خواسته‌های خود را بیان می‌کنند. حکمروایی شامل دولت بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی است. در این سه حوزه باید نهادهای حکمروایی را برای کمک به توسعه انسانی پایدار به‌منظور کاهش فقر ایجاد شغل حفظ محیط‌زیست و پیشرفت زنان طراحی کرد. از نظر فوکویاما (۲۰۱۳) حکمروایی توانایی حکومت در ایجاد و اجرای قوانین و ارائه خدمات است؛ چه در قالب چارچوبی دموکراتیک و چه نه. از نظر فوکویوما، حکمروایی اجرای وظایف است. در کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل در آسیا و اقیانوسیه (۲۰۰۹) حکمروایی به فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن برمی‌گردد که در زمینه‌های مختلفی از جمله حکمروایی مشارکتی، حکمروایی بین‌المللی، ملی و محلی استفاده می‌شود (United Nat ions Economi c and Soci al Comi ssi on, ۲۰۰۹)

از نظر برک پور و اسدی (۱۳۸۸) حکمروایی، شهری فرایندی است که بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و نهادهای غیررسمی جامعه مدنی با عرصه عمومی از طرف دیگر شکل می‌گیرد. مشارکت نهادهای غیررسمی و تقویت عرصه عمومی در اداره شهر می‌تواند به‌سازگاری منافع و در نتیجه به پایداری توسعه شهری منجر شود برک پور و اسدی (۱۳۸۸) طبق نظر کاظمیان و همکاران (۱۳۹۰) حکمروایی می‌تواند به‌عنوان پاسخی به شرایط در حال تغییر روابط قدرت و حرکت به‌سوی تضمین شیوه‌های انعطاف‌پذیرتر تصمیم‌سازی عمومی که می‌تواند راه‌های جایگزین را برای گریز از شکست بازار و مشکلات اقدام دولت عقلانی و بوروکراتیک پیدا کند در نظر گرفته شود (کاظمیان و همکاران ، ۱۳۹۰)

مشارکت اجتماعی

کرآن مشارکت عمومی (اجتماعی) را هرگونه روندی می‌داند که اعضای عمومی در روند تغییرات شهری دخیل هستند (Cowan, ۲۰۰۵: ۲۸۱) پیران از میان صدها تعریف که در باب مشارکت وجود دارد؛ با استناد به تعریف برنامه غذا ۲ مشارکت را این‌گونه تعریف می‌کند.

مشارکت بالقوه با قدرت بخشیدن به صدای آسیب‌پذیرترین گروه‌ها بیشترین امکان موفقیت را دارد. مشارکت دیدگاهی مردم مرکز است؛ بدین معنا که مردم عهده‌دار همه چیزند ولی گروهی و جمعی. مشارکت درگیر کننده زنان و مردان است و اجازه می‌دهد تا از طریق فرآیندهای مقتدر شدن همگان درگیر مشارکت، بر سرنوشت خود چه به‌طور کلی و چه در موارد خاص چون بازآفرینی (بازآفرینی محل زندگی یا محله، خود، اثرگذارند و

سرنوشت خود را دگرگون سازند. در نتیجه مشارکت در کنار قدرتمند شدن مردم و صدای خود را به گوش همگان رسانیدن، دانش و معرفت مهارت‌ها و در نتیجه خوداتکایی را افزایش می‌دهد مشارکت در شکل حداقلی، به معنای مشاوره انتقال و مبادله معرفت و دانش و ترتیبیاتی برابر و عادلانه در جهت سهیم شدن در منافع گوناگونی است که مطرح است. (پیران ۱۳۹۶: ۲)

توان بخشی و کشف و توسعه ظرفیت‌ها

کوان، توان بخشی را کمک به مردم یک منطقه در به دست آوردن مهارت‌ها اطلاعات و اعتماد لازم می‌داند که برای مشارکت مؤثر در مدیریت و یا مقاومت در برابر تغییر لازم است (Cowan, 2005: 80) او همچنین کشف و توسعه ظرفیت را کار توسعه‌ای تعریف می‌کند که توانایی افراد و سازمان‌های اجتماعی را برای ساختن ساختارها سیستم‌ها، شبکه‌ها و مهارت‌های لازم برای شرکت مؤثر در مدیریت فرایندهای تغییر تقویت می‌کند (Cowan, 2005: 50) توان بخشی طبق تعریف دولت اسکاتلند و (COSLA 2009)؛ فرایندی است که مردم باهم کار می‌کنند تا با داشتن قدرت بیشتر و تأثیر بر آنچه برای آن‌ها اهمیت دارد تغییراتی را در جوامع خود به وجود آورند. این فرایند نمی‌تواند توسط مردم محلی انجام گیرد؛ مردم محلی باید در خصوص میزان توانایی‌هایی که می‌خواهند به آن برسند و چگونگی دستیابی به آن تصمیم گیرند (Campbell, 2011: 7). توان بخشی را به طور ملموس می‌توان توانایی برای تصمیم‌گیری تأثیرگذار بر فعالیت‌های روزمره دانست که ممکن است دوره زندگی افراد را تغییر دهد (Grootaert, Narayan, Jones, & Woolcock, 2004, p 14). از نظر بیلی توان بخشی به معنی انتقال قدرت به لحاظ نظری در مقیاس‌های مختلف، در افراد، از طریق یادگیری مهارت‌های جدید یا داشتن قدرت نسبی بر دیگران؛ و در گروه‌ها در نفوذ بیشتر بر ساختار تصمیم‌گیری و رهایی از قدرت سازمان‌های درگیر است (Bailley 2010).

اقتصاد اجتماعی

همان‌طور که در پیشینه موضوع مورد بحث قرار گرفت؛ به‌طور موازی با ظهور و ترویج اشکال جدید مشارکت و ایفای نقش جامعه در مشارکت‌های بازآفرینی شهری تلاش‌های اخیر به دنبال ایجاد و ترویج اقتصاد اجتماعی به‌عنوان راهی برای مقابله با مشکلات عدیده و اختلالات اجتماعی شهری است به‌طوری‌که ظهور اتحادیه‌های اعتباری مبتنی بر جامعه و سیستم‌های مبادله اعتباری (غیر پولی)، نشان‌دهنده توسعه اقتصادهای اجتماعی است که به‌منظور کمک به جوامع به حاشیه رانده‌شده توسط تغییرات ساختاری اقتصادی طراحی شده‌اند (Tal lon, 2010: 150)

اصول اندازه‌گیری اقتصاد اجتماعی سیستم‌های معاملاتی محلی، اتحادیه‌های اعتباری و شرکت‌های اجتماعی است. اقتصاد اجتماعی بخشی از بخش خصوصی یا بخش عمومی (دولتی) نیست و گاهی اوقات به‌عنوان بخش سوم اقتصاد شناخته می‌شود که «برای سود شخصی نیست». فعالیت‌ها در اقتصاد اجتماعی توسط سازمان‌ها و گروه‌هایی که بخشی از جامعه مدنی هستند و بنابراین بخشی از دولت نیستند باهدف اولیه ارائه یک نوع سود اجتماعی یا محیطی انجام می‌شود این اصطلاح به‌طور عمد برای ارتباط با بازآفرینی اقتصادی به‌جای اشاره به ارزش‌های خاص یا تخصصی مانند توسعه جامعه مراقبت، محیط‌زیست و غیره، استفاده می‌شود یک شرکت اجتماعی به‌عنوان کارآفرینی به‌جای یک سرویس کمپین و سازمان دیده می‌شود. حوزه‌های فعالیت اقتصادی اجتماعی یا بخش سوم شامل ساخت مسکن، تبادل مهارت‌ها و خدمات، ایجاد کافه‌ها و رستوران‌ها، ایجاد فعالیت‌های اوقات فراغت، بازیافت مبلمان و تأمین حمل‌ونقل می‌شود این بخش سهم ارزشمندی از جمله تأمین مشاغل و مسیرهای جدید برای اشتغال، ایجاد ظرفیت، دموکراسی محلی و عرضه کالاها و خدمات به جوامع محلی ایجاد کرده است. اقتصاد اجتماعی دارای ویژگی‌های متعددی از نظر سازمان برگه‌ها و شیوه‌های عملیاتی است. محصولات و خدمات بدون پول به فروش می‌رسند یا مبادله می‌شوند. آن‌ها

می‌توانند سازمان‌های بسیار محلی یا برای ارائه خدمات به یک منطقه وسیع‌تر باشند و همچنین می‌توانند اساساً سازمانی رسمی یا غیررسمی باشند نمونه‌هایی از اقتصاد اجتماعی عبارت‌اند از کسب‌وکار متعلق به جامعه؛ سازمان‌های خودیار محلی مانند توسعه اعتماد بیشتر برای اعتماد به اهداف و راهکارهای ابتکاری، ملی و تعاونی‌های کاربر، کارمند و بازاریاب و دیگر جوامع اجتماعی به‌جز بخش‌های توسعه اجتماعی و بیمه (i bi d, p.۱۵۰).

توسعه اعتماد به‌عنوان نمونه‌ای از سازمان‌های تحت مالکیت و رهبری جامعه از دهه ۱۹۹۰ گسترش یافته است. این سازمان‌ها به تجارت باهدف اجتماعی و مالکیت ساختمان‌ها و زمین برای کمک به منافع اجتماعی اقتصادی و محیطی در جامعه خود کمک می‌کنند. در مناطق شهری و روستایی و اغلب در محله‌هایی که شدیدترین اثرات کاهش اقتصادی را تجربه کرده‌اند؛ کار می‌کنند. نهاد مستقل هستند اما با مشارکت بخش عمومی بخش خصوصی و سایر گروه‌های اجتماعی همکاری می‌کنند. سازمان‌های محلی هستند که خدمات و تسهیلات و راه‌حلی‌هایی را برای مشکلات محلی پیدا و به سازمان‌ها و ابتکارات دیگر کمک می‌کنند. (i bi d, p.۱۵۱).

مزایای سیستم‌های معاملاتی محلی مبادله برای جوامع محروم محلی این است که وابستگی به پول نقد را کاهش می‌دهند، مزایای آن را در منطقه حفظ می‌کنند و بنابراین افول را کاهش می‌دهند و شبکه‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند که به سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی کمک می‌نماید مزایای اتحادیه‌های اعتباری این است که عادات‌های صرفه‌جویی در مصرف منظم را تشویق می‌کنند، به وام‌های مقرون‌به‌صرفه دسترسی پیدا می‌کنند، سوءاستفاده از وام را مختل و جامعه مدنی را تقویت می‌کنند. شرکت‌های اجتماعی شرکت‌های تجاری متعلق به، جامعه شرکت‌های تعاونی گروه‌های خودیار محلی و توسعه اعتماد به‌عنوان نقش حیاتی در توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی دیده شده‌اند (i bi d, p.۱۵۱) اقتصاد اجتماعی می‌تواند در سطح شهر توسط مقامات محلی از طریق تأسیس واحدهای توسعه اقتصادی اجتماعی، تأمین حمایت مالی و تسهیلاتی، انجام ممیزی‌های اقتصادی اجتماعی و فعالیت‌های تبلیغاتی و آگاهی‌رسانی حمایت شود (i bi d, p.۱۵۲).

روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی و با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق رویکرد حاکم بر فضای تحقیق «توصیفی-تحلیلی» است. رویکرد توصیفی شامل توصیف وضع موجود شاخص‌های مورد بررسی، و رویکرد تحلیلی فضایی بازآفرینی اجتماع محور است روش جمع‌آوری داده‌های اولیه به صورت میدانی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش محله سنگلج واقع در منطقه ۱۲ تهران می‌باشد. و با توجه به اینکه تحلیل روی کلیه قطعات بلوک انجام می‌شود تا ارزیابی اولویت بازآفرینی مشخص شود بر همین اساس نمونه‌گیری به صورت تمام شماری است. شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش بازآفرینی عبارتند از: موقعیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اقدامات جمعی و همگانی، رفتارهای ضد اجتماعی و امنیت و شبکه ارتباطی و گره‌های اجتماعی.

جهت ارزیابی پتانسیل بازآفرینی از مدل Topsis استفاده شده و برای وزن دهی به شاخص‌های هم از مدل AHP استفاده شده است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

محله سنگلج در منطقه دوازده تهران واقع شده و بخشی از نواحی ۲ و ۳ تقسیمات شهرداری را در برمی‌گیرد. این محله طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیتی معادل ۲۵۰۴۰ نفر را در خود جای داده است. از این تعداد ۱۲۵۶۷ نفر مرد و ۱۲۴۷۳ نفر زن هستند. بر این مبنا می‌توان گفت که نسبت جنسی در این محدوده ۱۰۰/۷۵ می‌باشد. این رقم نرمال می‌باشد که نشان دهنده برابر بودن تعداد مرد و زن در محله است.

تعداد خانوار ساکن در محدوده نیز ۸۵۷۰ خانوار است که در نتیجه آن بعد خانوار حدود ۳,۷۵ به دست خواهد آمد. مساحت کل محدوده مطالعاتی نیز ۱۶۱,۵۹ هکتار می‌باشد. بر این مبنا میانگین تراکم ناخالص محدوده نزدیک به حدود ۱۵۴,۹۶ نفر در هکتار خواهد بود. منطقه دوازده در جنوب شهر تهران واقع شده و محله سنگلج در بخش غربی این منطقه واقع شده است. در طرح مورد نظر، محدوده مورد بررسی از شمال به خیابان امام خمینی، از جنوب خیابان مولوی، از غرب خیابان وحدت اسلامی و از شرق خیابان خیام می‌باشد. این محدوده ۱۶۲ هکتار مساحت دارد.

۴- تجزیه و تحلیل داده ها

مدل تاپسیس، توسط هوانگ و یون^۱ در سال ۱۹۸۱، پیشنهاد شد. این مدل، یکی از بهترین مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است و از آن، استفاده‌ی زیادی می‌شود، در این روش نیز مانند سایر روش‌های MADM، گزینه به‌وسیله‌ی n شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اساس این تکنیک، بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی، باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد. فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص، به‌طور یکنواخت افزایشی یا کاهش‌ی است. حل مسئله با این روش مستلزم طی شش گام زیر است (اختصاصی و سپهر، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۷):

۱. کمی کردن و بی مقیاس سازی ماتریس تصمیم (N): برای مقیاس سازی، از بی مقیاس سازی نورم استفاده می‌شود

رابطه (۱):

$$n_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^n X_{ij}^2}}$$

۲. به دست آوردن ماتریس بی مقیاس موزون (V): ماتریس بی مقیاس (N) را در ماتریس قطری وزن‌ها ($W_{m \times n}$) ضرب می‌کنیم (رابطه ۲):

رابطه (۲):

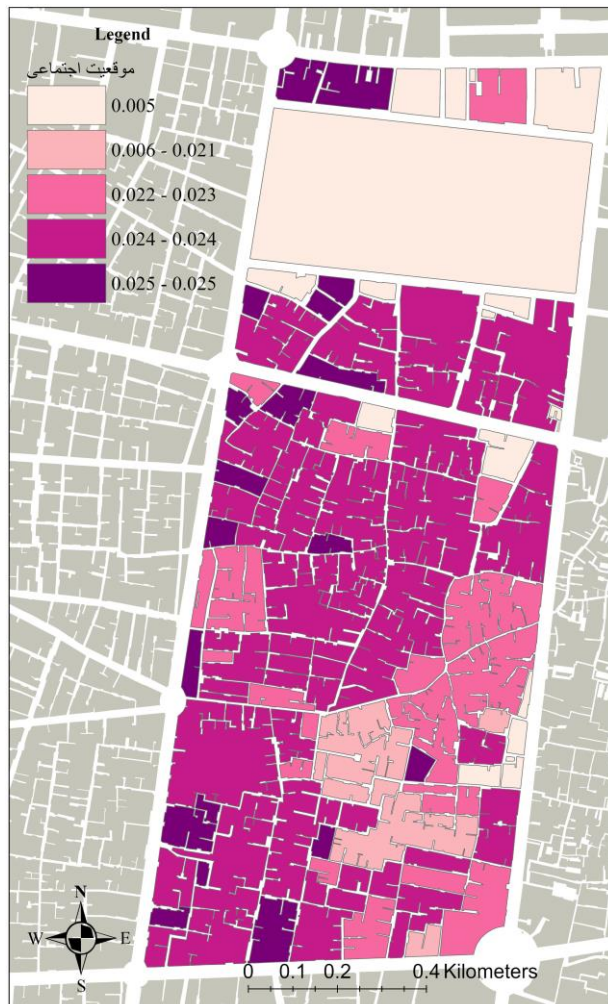
$$V = W \times N_{m \times n}$$

- وزن معیارها به شکل زیر است:

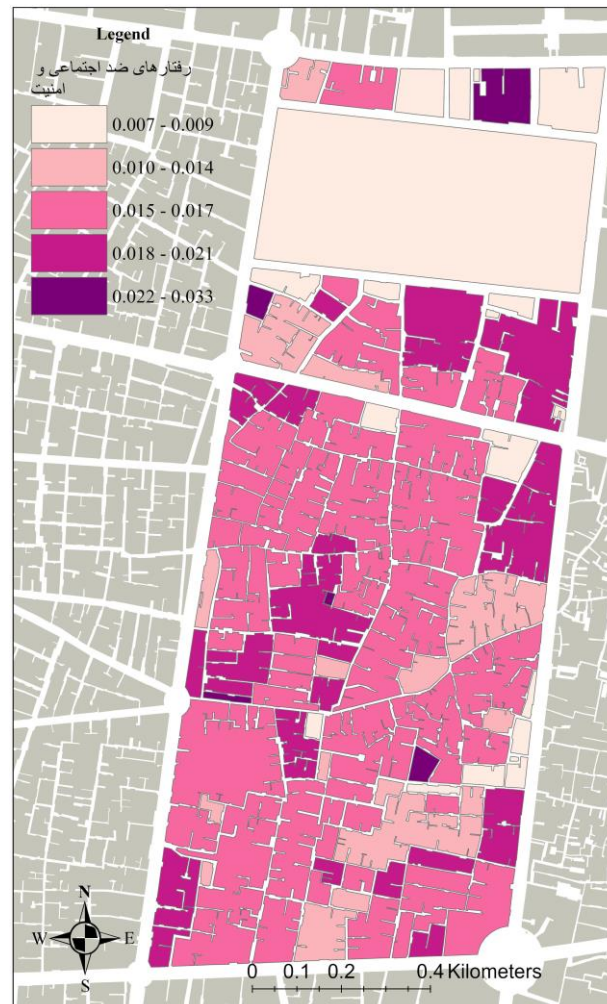
جدول شماره ۲: وزن دهی معیارها

شاخص	شبکه ارتباطی و گره‌های اجتماعی	رفتارهای ضد اجتماعی و امنیت	اقدامات جمعی و همگانی	اعتماد اجتماعی	موقعیت اجتماعی
وزن معیار	۰.۲۰۷	۰.۱۹۷	۰.۲۴۷	۰.۱۹۶	۰.۱۵۱

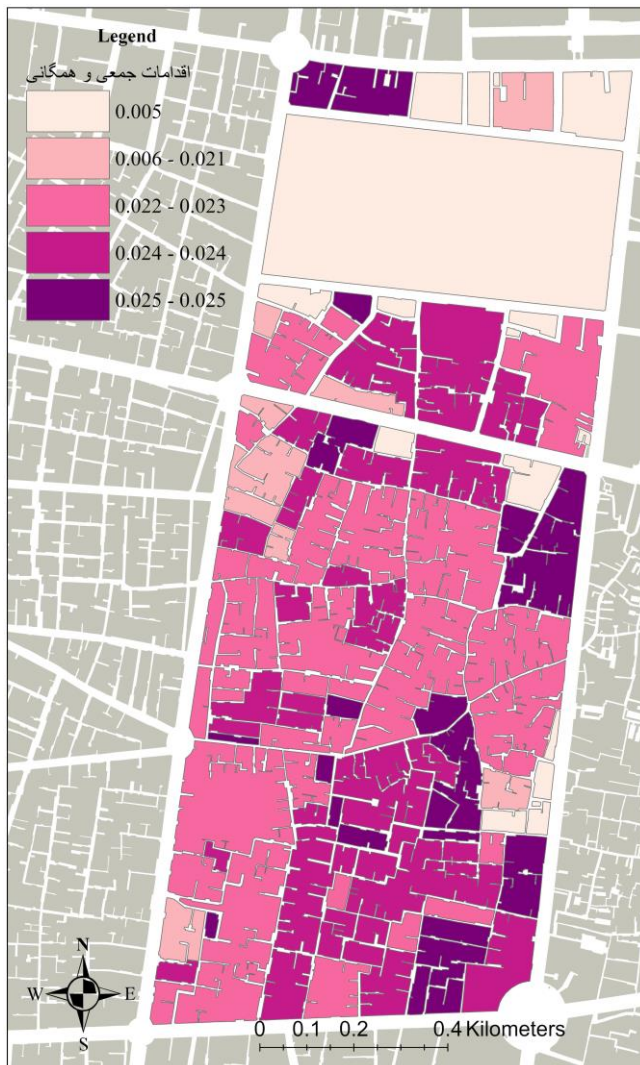
¹ Hwang and Yoon



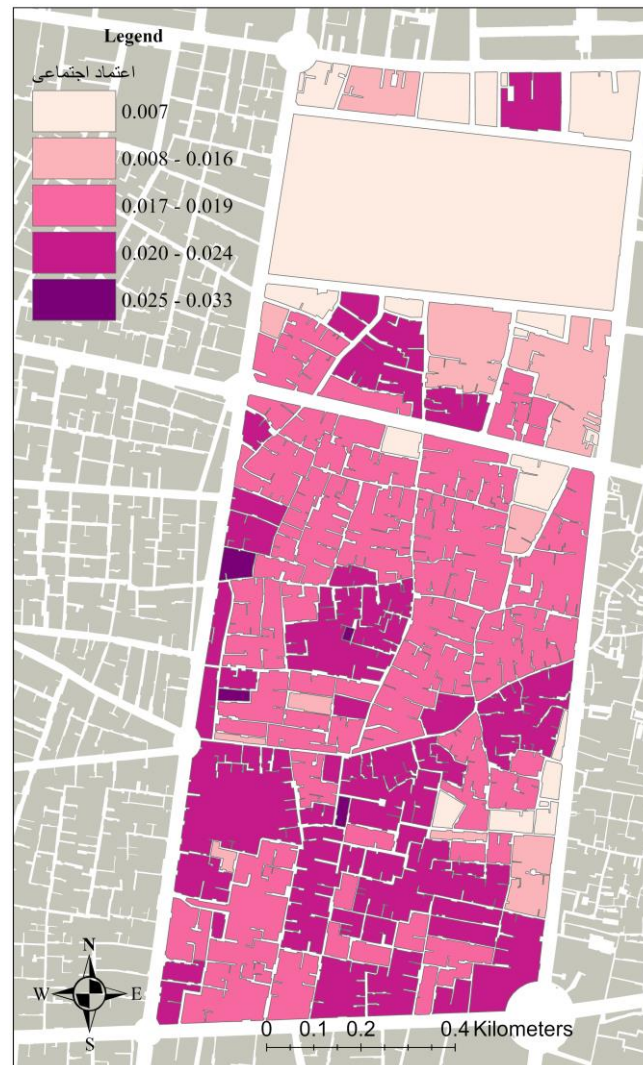
نقشه شماره ۳: اعمال وزن موقعیت اجتماعی



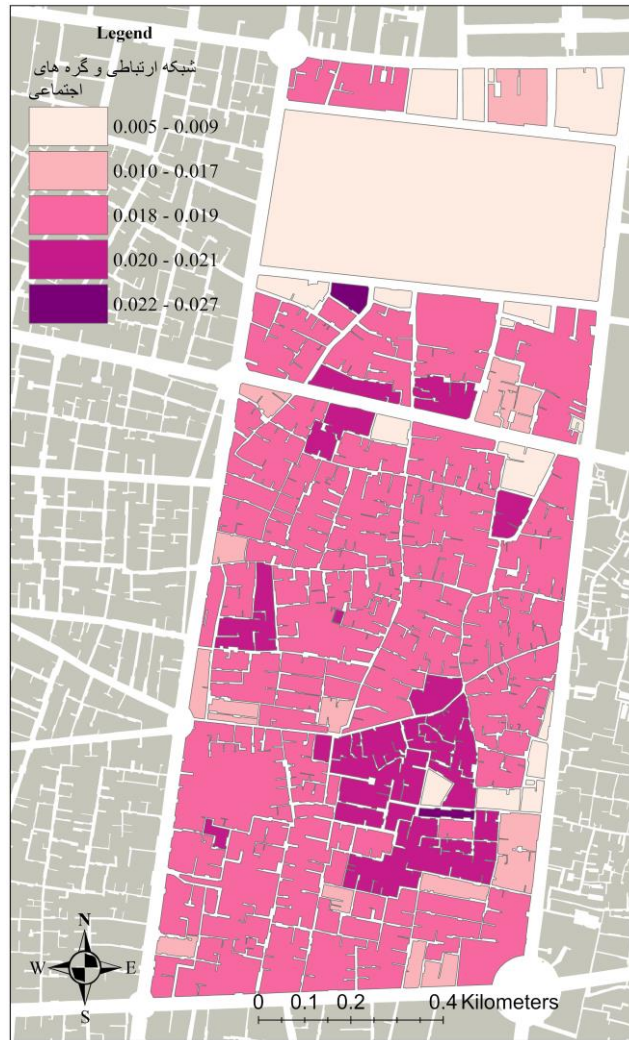
نقشه شماره ۲: اعمال وزن رفتارهای ضد اجتماعی و امنیت



نقشه شماره ۵: اعمال وزن اقدامات جمعی و همگانی



نقشه شماره ۴: اعمال وزن اعتماد اجتماعی



نقشه شماره ۶: اعمال وزن شبکه ارتباطی و گره های اجتماعی

۳. تعیین راه حل ایده آل مثبت و راه حل ایده آل منفی: راه حل ایده آل مثبت و ایده آل منفی، به صورت زیر تعریف می شود:

$$\{ \text{بردار بهترین هر شاخص ماتریس } V \} = \text{راه حل ایده آل مثبت } (V_j^+)$$

$$\{ \text{بردار بدترین هر شاخص ماتریس } V \} = \text{راه حل ایده آل منفی } (V_j^-)$$

بهترین مقدار برای شاخص های مثبت، بزرگترین مقادیر و برای شاخص های منفی، کوچکترین مقادیر است و بدترین برای شاخص های مثبت، کوچکترین مقادیر و برای شاخص های منفی بزرگترین مقادیر است.

جدول شماره ۳: ایده آل مثبت و منفی

شاخص	موقعیت اجتماعی	اعتماد اجتماعی	اقدامات جمعی و همگانی	رفتارهای ضد اجتماعی و امنیت	شبکه ارتباطی و گره های اجتماعی
ایده آل مثبت	۰.۰۲۴۷۴۸۰۱۹	۰.۰۳۲۸۲۹۷۷۵	۰.۰۲۵۳۱۸۰۳۲	۰.۰۳۳۱۰۴۵۱۲	۰.۰۲۶۹۲۷۰۳۱
ایده آل منفی	۰.۰۰۴۹۴۹۶۰۴	۰.۰۰۶۵۶۵۹۵۵	۰.۰۰۵۰۶۳۶۰۶	۰.۰۰۶۶۲۰۹۰۲	۰.۰۰۵۳۸۵۴۰۶

۴. به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده آل مثبت و منفی: فاصله اقلیدسی هر گزینه تا ایده آل مثبت (d_j^+) و فاصله هر گزینه تا ایده آل منفی (d_j^-).

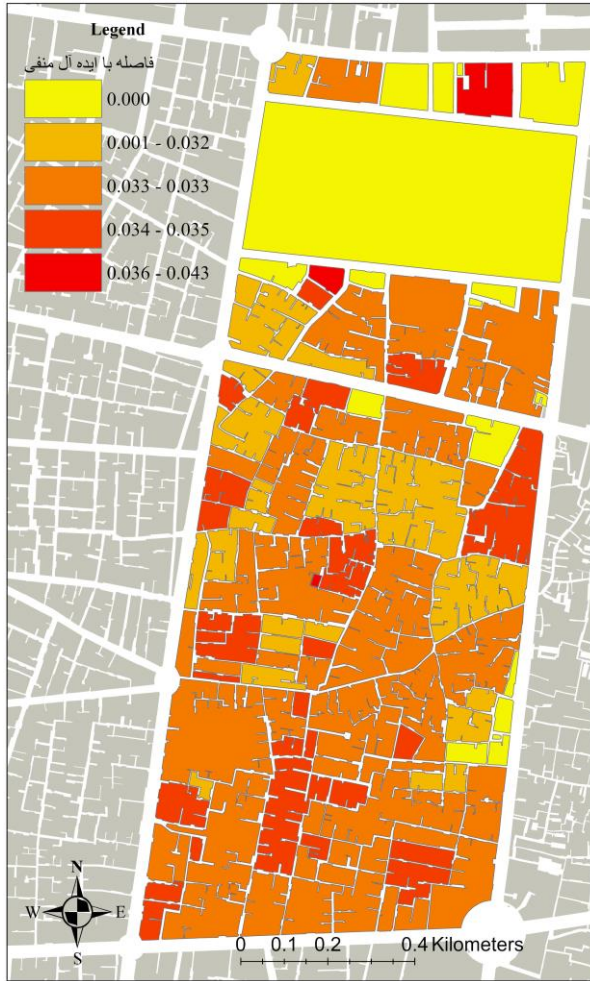
بر اساس روابط ۳ و ۴ زیر حساب می شود

رابطه (۳):

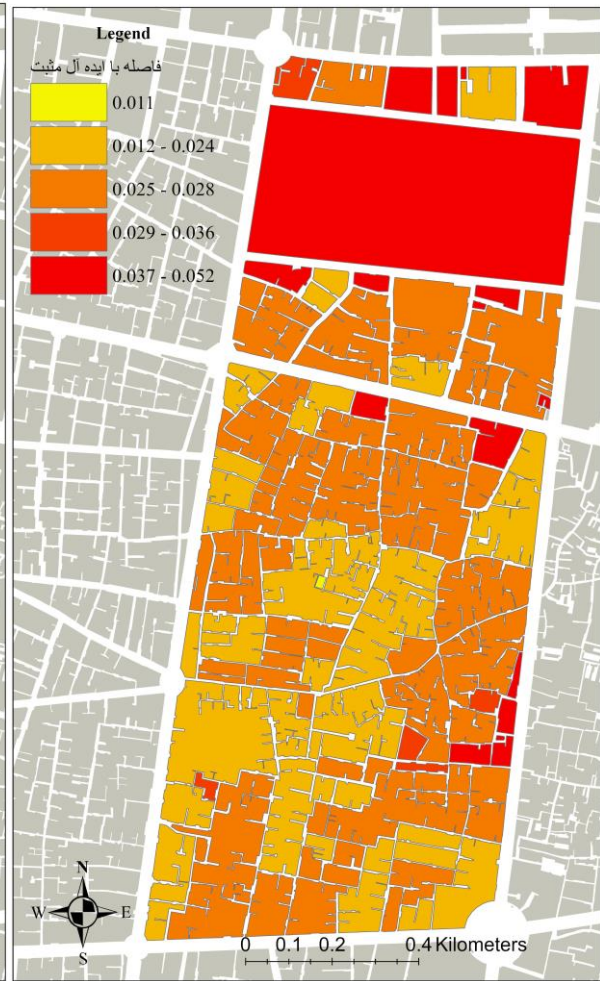
$$d_j^+ = \sqrt{\sum_{i=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2} \quad i=1,2,\dots,n$$

رابطه (۴):

$$d_j^- = \sqrt{\sum_{i=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2} \quad i=1,2,\dots,n$$



نقشه شماره ۸: فاصله از ایده آل منفی



نقشه شماره ۷: فاصله از ایده آل مثبت

۵. تعیین نزدیکی نسبی CL یک گزینه به راه حل ایده آل:

رابطه (۵):

$$CL = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+}$$

۶. رتبه بندی گزینه‌ها: هر گزینه‌ای که (CL) آن بزرگ‌تر باشد، بهتر است

همانطور که در نقشه زیر نشان داده شده است هسته مرکزی محله دارای بیشترین میزان آسیب پذیری است و قسمت های غربی و جنوب شرقی محله نیز که با رنگ زرد نشان داده شده است میزان آسیب پذیری آن متوسط است و پهنه نوسازی محله که در قسمت شرقی محله قرار دارد دارای کمترین میزان آسیب پذیری است.

همانطور که در نقشه زیر نشان داده شده است بخش شمالی محله دارای اولویت کمتری نسبت به دیگر بخش های محله است و بلوک های دارای اولویت نیز به طور نامنظم در داخل محله توزیع پیدا کرده اند.

نتایج تحلیل نشان دهنده توزیع سطوح اولویت بازآفرینی در بین ۱۱۵ بلوک محله سنگلج است:

خیلی زیاد: ۱۹ بلوک (۱۶,۵٪)

زیاد: ۲۱ بلوک (۱۸,۳٪)

متوسط: ۲۲ بلوک (۱۹,۱٪)

کم: ۲۲ بلوک (۱۹,۱٪)

خیلی کم: ۳۱ بلوک (۲۷,۰٪)

در مجموع ۳۴,۸٪ از بلوک ها (۴۰ از ۱۱۵) به عنوان نیاز بیش از حد یا زیاد به مداخلات بازآفرینی شناسایی شدند. این بلوک ها مناطقی را نشان می دهند که در آن ها به تلاش های فوری برای بازسازی جامعه محور نیاز است. برعکس، ۲۷ درصد از بلوک ها (۳۱ از ۱۱۵) به عنوان نیاز بسیار کمی به بازآفرینی شناسایی شدند که نشان می دهد این مناطق نسبتاً پایدار و به خوبی نگهداری می شوند.

جدول شماره ۵- اولویت بندی محله سنگلج

سطح بندی اولویت بازآفرینی	تعداد بلوک	درصد
خیلی زیاد	۱۹	۱۶.۵
زیاد	۲۱	۱۸.۳
متوسط	۲۲	۱۹.۱
کم	۲۲	۱۹.۱
خیلی کم	۳۱	۲۷.۰
مجموع	۱۱۵	۱۰۰

۵- نتیجه گیری

نتایج نظرسنجی بینش های مهمی را در مورد نیازهای بازآفرینی در سراسر محله سنگلج ارائه می دهد. با بررسی دقیق تر این ارقام، می توانیم روندها و الگوهایی را شناسایی کنیم که می توانند به هدایت مؤثرتر تلاش های بازآفرینی جامعه محور کمک کنند.

۱. بلوک های با اولویت بالا (خیلی زیاد و زیاد): مجموع ۴۰ بلوک (۳۴,۸٪ از کل) که به عنوان نیاز بیش از حد یا زیاد به مداخلات بازآفرینی طبقه بندی شدند، نشان دهنده چالش های مهم در این مناطق است. این چالش ها ممکن است شامل خراب شدن زیرساخت ها، عدم دسترسی به خدمات ضروری، فروپاشی اجتماعی یا رکود اقتصادی باشد. با هدف قرار دادن منابع و تلاش ها در این بلوک های با اولویت بالا، سیاست گذاران و دست اندرکاران می توانند به مهم ترین مسائل رسیدگی کنند و توسعه پایدار را در همسایگی ترویج دهند.

۲. بلوک های با اولویت متوسط: ۲۲ بلوک (۱۹,۱٪) طبقه بندی شده به عنوان دارای نیاز متوسط به مداخلات بازآفرینی نشان می دهد که این مناطق با چالش هایی مواجه هستند، هرچند شدیدتر از بلوک های با اولویت بالا. این بلوکها ممکن است همچنان از طرحهای بازآفرینی هدفمند که بر حوزههای خاص بهبود تمرکز دارند، مانند احیای فضای عمومی یا حمایت از کسب و کارهای کوچک، بهره مند شوند.

۳. بلوکهای با اولویت پایین: ۲۲ بلوک (۱۹,۱٪) که نیاز کم به مداخلات بازآفرینی شناسایی شده اند، مناطقی با چالش های کمتر را نشان می دهند اما هنوز جای بهبود دارند. این بلوک ها می توانند از اقدامات پیشگیرانه یا بهبودهای جزئی برای حفظ ثبات و جذابیت کلی خود بهره مند شوند. با اجرای استراتژی های کم هزینه و با تاثیر بالا در این مناطق، ذینفعان می توانند اطمینان حاصل کنند که محله پر جنب و جوش و مطلوب باقی می ماند.

۴. بلوک های به خوبی نگهداری شده (خیلی کم): ۳۱ بلوک (۲۷,۰٪) طبقه بندی شده به عنوان دارای نیاز بسیار کمی به مداخلات بازآفرینی ، مناطقی را نشان می دهد که نسبتاً پایدار و به خوبی نگهداری می شوند. با این حال، ضروری است که اطمینان حاصل شود که این مناطق همچنان حمایت و نگهداری کافی را دریافت می کنند تا از کاهش در آینده جلوگیری شود.

با تجزیه و تحلیل این ارقام، مشخص می شود که طیف متنوعی از نیازهای بازآفرینی در سراسر محله سنگلج وجود دارد. اتخاذ یک رویکرد مناسب برای رسیدگی به این نیازهای مختلف برای اطمینان از تخصیص کارآمد منابع و هدف گذاری موثر مداخلات بسیار مهم است. علاوه بر این، درگیر کردن جامعه محلی و ذینفعان در فرآیندهای برنامه ریزی، تصمیم گیری و اجرا به اطمینان از پاسخگویی تلاش های بازآفرینی به چالش ها و فرصت های منحصر به فرد هر بلوک کمک می کند و حس مالکیت و غرور را در بین اعضای جامعه تقویت می کند.

در نتیجه، اولویت بندی مؤثر تلاش های بازآفرینی جامعه محور در محله سنگلج برای ایجاد یک محیط شهری پایدار، تاب آور و فراگیر حیاتی است. نتایج نظرسنجی پایه ای برای درک نیازهای مختلف بازآفرینی در بلوک های مختلف ارائه می کند و به ذینفعان اجازه می دهد توجه و منابع خود را بر روی مناطقی با چالش های مهم متمرکز کنند. با اتخاذ یک رویکرد مشارکتی و مبتنی بر جامعه برای بازآفرینی شهری، مقامات محلی، ساکنان و سایر ذینفعان می توانند با یکدیگر همکاری کنند تا چالش های منحصر به فردی را که هر بلوک با آن مواجه است، تقویت کنند و حس مالکیت و غرور را در میان اعضای جامعه تقویت کنند.

علاوه بر این، این گزارش بر اهمیت نظارت و ارزیابی مستمر پیشرفت بازآفرینی محله برای اطمینان از موفقیت بلندمدت و پایداری طرحها تاکید می کند. با ارزیابی مجدد دوره ای سطوح اولویت بازآفرینی و تنظیم استراتژی ها بر این اساس، ذینفعان می توانند پاسخگوی نیازهای در حال تغییر جامعه سنگلج باشند. در نهایت، ادغام رویکرد جامعه محور برای بازآفرینی شهری، همراه با اولویت بندی مؤثر و نظارت مستمر، به رفاه و سرزندگی کلی محله سنگلج کمک می کند و کیفیت زندگی ساکنان آن را افزایش می دهد.

منابع

۱. برک پور، ن. & اسدی، ا. (۱۳۸۸) مدیریت و حکمروایی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه هنر تهران.
۲. بهادری نژاد، معصومه و ذاکر حقیقی، کیانوش، ۱۳۹۵، تبیین مکانیزم احیای بافت های تاریخی با استفاده از رویکرد بازآفرینی (نمونه موردی: محله حاجی در محدوده تاریخی شهر همدان، نشریه مطالعات محیطی هفت حصار، شماره هجدهم، سال پنجم، صفحات ۱۸-۵).
۳. پیران، پ. (۱۳۹۶، الف) معرفی مفاهیم پیشاهنگ؛ محله. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.

۴. صفایی پور، مسعود، مسعود و زراعی، جواد، ۱۳۹۶، برنامه ریزی محله‌محور و بازآفرینی پایدار بافت های فرسوده شهری با تاکید بر سرمایه اجتماعی، نمونه موردی: محله جولان شهر همدان، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال هفتم، شماره مسلسل بیست و سوم، صفحات ۱۳۵-۱۴۹.

۵. کاظمیان، غ. & همکاران (۱۳۹۰) مدیریت شهری (جلد اول: مبانی و حوزه ها) تهران: انتشارات تپسا.

۶. لطفی، سهند (۱۳۹۰) بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تاملی بر بن مایه های فرهنگی و کنش بازآفرینی، تشریح هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۵، صص: ۴۷-۶۰.

۷. نوریان، فرشاد و آریانا، اندیشه (۱۳۹۰) به کارگیری رهیافت مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی به منظور تقویت مشارکت شهروندان در بازآفرینی شهری از نگاه مدیریت شهری. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته شهرسازی، دانشگاه تهران.

8. Bailey, N (۲۰۱۰) Understanding Community Empowerment N Urban Regeneration and Planning in England: Putting Policy and Practice in Context. Planning Practice and Research. ۲۳-۳۱۷. ۲۵.
9. Campbell, P (۲۰۱۱) Community-Led Regeneration: A Review of Literature. Scotland: Scottish Government Social Research.
10. Coaffee, J & Deas, I (۲۰۰۸) The Search for Policy Innovation in Urban Governance: Lessons from Community-Led Regeneration Partnerships. Public Policy and Administration. ۸۷-۱۶۷. (۲) ۲۳.
11. Cowan, R (۲۰۰۵). The Dictionary of Urbanism Great Britain: Streetwise press.
12. Environment, D. o (۱۹۷۷). Policy for the Inner Cities – White Paper. London: HMSO.
13. Grootaert, C., Narayan, D, Jones, N V & Woolcock, M (۲۰۰۴). Measuring Social Capital: An Integrated Questionnaire. Washington, DC: The International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank.
14. Hickey, S & Mohan, G (۲۰۰۴). Participation: From Tyranny to Transformation? Exploring New Approaches to Participation in Development. New York: Zed Books.
15. Leary, ME. & McCarthy, J. (۲۰۱۳). The Routledge Companion to Urban Regeneration. London and New York: Routledge.
16. Putnam R. D (۲۰۰۰). Bowling alone: The collapse and revival of American community. New York: Simon & Shuster.
17. Roberts, P. & Sykes, H (۲۰۰۰). Urban Regeneration: A Handbook. Sage Publications, London, pp. ۳۷-۵۸.
18. Silver, H, Scott, A & Kazepov, Y (۲۰۱۰). Participation in Urban Contention and Deliberation. International Journal of Urban and Regional Research. ۷۷-۴۵۳.
19. Tallon, Andrew (۲۰۱۰). Urban Regeneration in the UK London and New York: Taylor & Francis-Library.
20. United Nations Economic and Social Commission (۲۰۰۹). What is Good Governance? United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
21. Van Den Dol, L., Hendriks, F & Gianoi, A (۲۰۱۵). The Quest for Good Urban Governance. Urban and Regional Research International.
22. Wallace, A (۲۰۱۰). New neighbourhoods, new citizens? Challenging “community” as a framework for social and moral regeneration under New Labour in the UK. International Journal of Urban and Regional Research. ۱۹-۸۰. ۳۴.